فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc468950565)

[عمل به اصل عملی 2](#_Toc468950566)

[دلیل دوم: امر به تعلّم و تفقه در دین 2](#_Toc468950567)

[بهترین دلیل مرحوم آقای خوئی برای اثبات وجود فحص از مخصصات 3](#_Toc468950568)

[مناقشه مرحوم شهید صدر به دلیل مرحوم آقای خوئی 3](#_Toc468950569)

[جواب اشکال مرحوم شهید صدر 4](#_Toc468950570)

[تتبع از یقینیات و محتملات در بررسی موضوع 4](#_Toc468950571)

[نتیجه 5](#_Toc468950572)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ لزوم فحص از مخصص

# اشاره

بحث در فحص از مخصص بود و اینکه طبق قاعده، کسی بخواهد به عموم عامی عمل بکند و استناد بکند؛ بایستی از مخصص‌های وارده بر آن؛ مطلع بشود و برای این مسئله؛ باید تتبع و تفحص در منابع و متون انجام بدهد، همین روشی که در مقام اجتهاد پیموده می‌شود.

# عمل به اصل عملی

وقتی کسی می‌خواهد عمل به اصل عملی بکند؛ اول باید ادله اجتهادی را ببیند، همه آیات و روایات که احتمال می‌دهد؛ با این موضوع ارتباط داشته باشد، جستجو و تفحص بکند، اگر چیزی پیدا نشد؛ به اصل عملی؛ عمل می‌کند، عین این مطلب در عموم و اطلاق هم هست، زمانی که؛ به «**اوفوا بالعقود**» در باب بیمه می‌خواهد تمسک بشود؛ بایستی به آن روایات که در باب عقد و بیع آمده و کتبی که مربوط به این مسئله است؛ مراجعه بشود و تتبع و جستجو گردد، بعد از جستجو هست که می‌شود به عام تمسک کرد، اصل این مسئله از ضروریات اجتهاد است.

در استدلال این مسئله وجوهی اقامه‌شده که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود، دلیل اول برای فحص و تتبع از مخصص؛ عبارت از علم اجمالی به ورود مخصصاتی در شریعت؛ نسبت به عمومات بود.

ما هم مانند مرحوم آقایان آخوند، خوئی، تبریزی؛ گفتیم که این دلیل اخص از مدعاست، برخلاف مرحوم نائینی که؛ دلالت دلیل را به‌طور کامل؛ قبول داشتند، اما ما گفتیم که دلیل اخص از مدعاست و وجوب فحص تابعی از علم اجمالی نیست، چرا که به مواردی می‌رسیم که علم اجمالی منحل می‌شود، اما بازهم می‌گوییم که تتبع در این کتب باید بشود؛ در مظانی که احتمال می‌دهیم که مخصصاتی برای این عام واردشده باشد، باید جستجو گردد.

# دلیل دوم: امر به تعلّم و تفقه در دین

دلیل دوم در کلام مرحوم خوئی در محاضرات و در آخر بحث واردشده که؛ دو یا سه دلیل بررسی می‌کنند و آن‌ها را نقد می‌کنند و در آخر می‌فرمایند که؛ دو دلیل در اینجا وجود دارد که ما هم قبول داریم و این دلیل به مرحوم آقا ضیاء نسبت داده‌شده، امکان دارد در جاهای دیگر هم این دلیل باشد، مرحوم شهید صدر این دلیل را آورده‌اند و نقد کردند.

دلیل دوم؛ تمسک به آیات و روایاتی است که؛ ما را ترغیب کرده‌اند و موظف به تعلم احکام و مسائل دین و تفقه در دین کردند، این ادله در باب اجتهاد و تقلید و در بعضی ابواب در فقه تعلیم و تربیت؛ به‌تفصیل موردبحث قراردادیم، ازجمله ادله مثل؛ «**فَلَوْ *لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ* مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ...**»[[1]](#footnote-1)، می‌فرمایند که؛ کسانی باید بروند و تفقه بکنند، یا مثل آیه «***فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ* إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُون**»[[2]](#footnote-2) که می‌فرمایند؛ بروید تحقیق و اجتهاد بکنید، یا روایاتی که در باب تعلم آمده است، مثل آن روایت مشهور است که در روز قیامت سؤال می‌کنند چرا عمل نکردید؛ می‌گوید که نمی‌دانستم، بعد به او گفته می‌شود که؛ «هلّا تعلمت»، پس چرا کسب علم نکردی.

# بهترین دلیل مرحوم آقای خوئی برای اثبات وجود فحص از مخصصات

مرحوم آقای خوئی می‌فرمایند: ادله‌ای که می‌گوید؛ دینتان را بشناسید و تلاش کنید مسائل دین را بفهمید، بهترین دلیل، برای اثبات وجود فحص از مخصصات یک عام است که فراتر از علم اجمالی می‌باشد.

آیات و روایاتی که به آن در اینجا اشاره شد؛ ما را به تفقه و تعلم شریعت و احکام و مسائل موظف کرده‌اند، این مفاد کبروی آیات است و تعلم احکام و مسائل اقتضا می‌کند که؛ فرد همه این‌ها را ببیند و همه ادله را بررسی بکند، بعضی هم این دلیل دوم را که در کلام مرحوم آقای خوئی آمده؛ قبول کردند.

# مناقشه مرحوم شهید صدر به دلیل مرحوم آقای خوئی

مرحوم شهید صدر در تقریرشان در بحوث؛ به این دلیل؛ مناقشه‌ای وارد کرده‌اند و اجمال آن این است که؛ تمسک به این عمومات برای بحث ما، از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیه‌اش هست که؛ گفته‌شده؛ تمسک به عام در شبهه مصداقیه‌اش درست نیست، مثل «اکرم العلما»، نمی‌داند که این فرد عالم هست یا نیست، اول باید دانسته شود که این فرد عالم هست یا نه؛ بعد اکرم؛ شمارا موظف کند که این فرد را اکرام کنید، ایشان می‌فرمایند؛ تمسک به ادله تفقه و تعلم دین؛ برای اثبات وجوب تفحص؛ از قبیل تمسک به عام؛ در شبهه مصداقیه است، برای اینکه ادله می‌گوید که؛ مسائل دین را فرابگیر، مثل «**اوفوا بالعقود**» و «**احل الله البیع**» که این مسائل را می‌دانم و عمل می‌کنم، اما این به شما می‌گوید؛ سراغ مسائلی بروید که؛ احتمال دارد که در دین باشد و آن‌ها را یاد بگیرید، در محدوده‌ای که علم اجمالی دارید و می‌دانید که در این عام چیزی برای دین هست و یک‌چیزی از دین نازل بر «**اوفوا بالعقود**» یا «**احل الله البیع**» هست، تا زمانی که علم اجمالی دارید و موضوع محرز است؛ ادله تعلم و تفقه می‌گوید که؛ بروید یاد بگیرید، منظور از یادگرفتن این است که؛ کتب را ببینید و تفحص بکنید و یاد بگیرید.

اما اگر علم اجمالی دست شما نبود؛ یعنی به‌جایی می‌رسید که احتمال بدوی می‌دهید که؛ «**اوفوا بالعقود**» یا «**احل الله البیع**» یک مخصصی داشته باشد، این به این معنا هست که؛ نمی‌دانم در دین راجع به این؛ چیز تکمیلی هست یا نیست، تفقه در دین بکن؛ یعنی اینکه راجع به این موضوع، چیزی در شریعت هست که بعد؛ تفقه و تعلم در دین می‌گوید که یاد بگیر، اما وقتی شک داشته باشیم؛ شبهه مصداقیه عام هست.

# جواب اشکال مرحوم شهید صدر

جواب به اشکال مرحوم صدر به این بیان است که؛ ادله؛ مخصوصاً آنجایی که می‌گوید؛ یتفقه فی الدین، وظیفه‌دارید که در دین تحقیق کنید، این آیات، منحل شده در هر موضوعی به تعدد موضوعات، مثلاً تفقه در دین یا بحث وفای به عقد یا بیع؛ یک موضوع است، تفقه در دین بکن؛ یعنی تفقه در موضوع بیع بکن، تفقه در این موضوع؛ عرفاً به این است که؛ مجموعه ادله‌ای که احتمال می‌دهد نسبت به هم مقید یا مخصص یا معارض باشد؛ باید همه این مطالب را ببیند، برای اینکه تفقه در دین؛ عام استغراقی است و منحل می‌شود و می‌گوید که؛ در هر مسئله و موضوع تفقه بکن، تفقه در هر موضوعی به این است که؛ هر چه در ارتباط با آن؛ حتی احتمال هم می‌دهد؛ تحقیق و بررسی بکند، وقتی به یک نظریه در باب این موضوع از نگاه دین دست می‌یابید موظف هستید هر آنچه احتمال هم می‌دهید؛ بررسی بکنید.

# تتبع از یقینیات و محتملات در بررسی موضوع

ادله‌ای مثل آیه شریفه که می‌گوید؛ تفقه در دین بکن، منحل به هر موضوع و محوری می‌شود، زمانی که می‌گوید در توحید و معاد تحقیق بکن؛ یعنی حرف‌های دین را بررسی کنید، اما تحقیق و تفقه؛ قوامش به این است که؛ هر آنچه را که یقین و حتی احتمال هم می‌دهید؛ بررسی کنید، در خود مفهوم تفقه هم این مطلب نهفته است که؛ احتمالات را هم بررسی کنید و به یقینیات بسنده نکنید.

تتبع از محتملات تخصیص، تعارض و ...؛ در درون مفهوم تفقه هست و لازمه‌اش است، در تفقه، به نحو تضمنی یا التزامی باید احتمالات مربوط به آن موضوع را هم بررسی کنید.

مثل این هست که؛ موضوعی را به محققی بدهند و بگویند درباره‌اش تحقیق بکن، منظور از تحقیق؛ یعنی هر چه که احتمال می‌دهید به این مسئله ربط دارد؛ باید بررسی و تحقیق بکند.

# نتیجه

لذا به نظر ما؛ فرمایش مرحوم خوئی و استدلال مرحوم عراقی به این ادله؛ استدلال درستی هست و اشکال شهید صدر وارد نیست.

1. - سوره توبه آیه 122 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره انبیاء آیه 7 [↑](#footnote-ref-2)